

## گزارشی از مراسم بزرگداشت سی و نهمین سالگرد رستاخیزسیاهکل و سی و یکمین سالگرد قیام بهمن در شهر تورنتو- کانادا



نگاهی به آنچه که این مراسم را به یکی از موفق ترین مراسم سیاسی سالهای اخیر در تورنتو تبدیل کرد.

در ۲۰ فوریه ۲۰۱۰ در شهر تورنتو (کانادا) مراسمی توسط "فعالین چریکهای فدایی خلق ایران- کانادا" به مناسبت سی و نهمین سالگرد حماسه سیاهکل و سی و یکمین سالگرد قیام بهمن برگزار شد که یکی از موفق ترین مراسم سیاسی سالهای اخیر بود. این مراسم که حدود ۲۲۰ نفر از ایرانیان مقیم تورنتو در آن شرکت کردند، مراسمی کاملاً سیاسی و دارای خصوصیتی بود که منعکس کننده تأثیرات رشد جنبش توده ای در ایران می باشد.

یکی از مهمترین خصوصیات این مراسم این بود که بخش زیادی از شرکت کنندگان را کسانی تشکیل میدادند که اصطلاحاً فعال سیاسی تشکیلاتی تلقی نمی شوند. همیشه در مراسم های مختلف سیاسی- اجتماعی پیش از این نیز با چهره های جدیدی روبرو میشدیم. در برخی از مراسم های سیاسی (مانند مراسم چهلمین سالگرد کشته شدن صمد بهرنگی) تعدادی از جوانان ایرانی (همراه با والدین خود که فعالین سیاسی سابق بوده اند) نیز شرکت داشته اند. اما این بار تفاوتی با قبل وجود داشت. این افراد (که در زمان قیام ۵۷ خلی جوان بودند و یا هنوز دنیا نیامده بودند) به قول خودشان آمده بودند که ببینند "سیاهکل و مبارزه مسلحانه که در میان مبارزین و جوانان انقلابی سال ۵۷



صحبتش بود و حالا هم دوباره سر زبانها افتاده، چیست" و یا اینکه ببینند "معتقدین به مبارزه مسلحانه در رابطه با امروز چه میگویند." در نتیجه حضور این بخش از مردم را میتوان حضوری فعال و منعکس کننده شرایط سیاسی دانست.

حضور این بخش از مردم آزادیخواه در جمع فعالین سیاسی شهر، فضایی متفاوت را ایجاد کرده بود که آن را از همان اولین لحظات مراسم تا آخرین دقایق پایانی با خوشحالی احساس میکردم.

مراسم با سرود انترناسیونال شروع شد و با شعری از "رحیمه توخی" شاعر متعهد و انقلابی افغانستان و سپس با موسیقی زیبای کردی و ترکی و صدای گرم شهروز ادامه یافت. اکثر شرکت کنندگان با اینکه زبان کردی و ترکی نمی دانستند اما از برنامه هنری که بیشتر به زبانهای محلی بود لذت بردند و همه میگفتند که "صدای شهروز و آهنگ ها بسیار دلنشین بودند."

#### تأثیر حماسه سیاهکل در کشورهای همسایه

"رحیمه توخی" در رابطه با تأثیر حماسه سیاهکل در مجامع و محافل انقلابی در افغانستان صحبت کرد و مطالب و حقایق جالبی را در این رابطه توضیح داد. حقایقی که پوچ و بی اعتبار بودن ادعاهای مرتجعین و دشمنان تئوری راهنمای رزمندگان سیاهکل را به روشنی نشان میدهد. رحیمه توخی توضیح داد که چگونه پس از حماسه سیاهکل، کتابهای "مبارزه مسلحانه، هم تاکتیک و هم اسراتژی" و "ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقاء" و "حماسه مقاومت" در لیست مطالعاتی محافل و هسته های انقلابی افغانستان قرار گرفتند.

سخنرانی رفیق فریبرز سنجری

رفیق فریبرز سنجری در پایان بخش اول مراسم به سخنرانی در رابطه با حماسه سیاهکل و قیام بهمن ۵۷ و توضیح درسهایی که جوانان انقلابی می توانند از این دو رویداد تاریخی در جهت پیشبرد مبارزات انقلابی کنونی خود بگیرند، پرداخت. وی در سخنرانی خود گفت:

"واقعیت این است و این را همه تجربیات مردم ما بارها به اثبات رسانده است که در شرایط ایران، شرط رسیدن به آزادی و دموکراسی نابودی نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم حاکم می باشد، نظامی که تا پابرجاست هر روز اسباب ظلم و ستم و دیکتاتوری لازمه حفظ آن را باز تولید می کند. بنابراین مردم ما نباید فریب تبلیغات اصلاح طلبان حکومتی و رسانه های امپریالیستی حامی آنها را بخورند و باید با تمام توان در جهت نابودی جمهوری اسلامی و نظام حاکم گام برداشته و این سخن رزمندگان سیاهکل را فراموش نکنند که با رژیم دیکتاتوری ای که جز زبان زور نمی شناسد راهی جز سخن گفتن از طریق قهر انقلابی وجود ندارد و جز از طریق انقلابی نمی شود مطالبات اساسی توده ها را متحقق نمود." و در خاتمه سخنرانی خود، جوانان را مورد خطاب قرار داد و با تاکید گفت: "این روزها که دشمن می کوشد با تکیه بر عقب نشینی ها و ممانشات طلبی های اصلاح طلبان حکومتی تخم یاس و ناامیدی پیاشانند جوانان مبارز و انقلابی ما باید با تاکید دوچندان بر ضرورت نابودی جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته اش، آشنائی ها و روابطی که در جریان این خیزش فی مابینشان شکل گرفته را دستمایه سازمان یابی آگاهانه خودنمایند تا قادر شوند گام های هر چه بلند تری در راستای تعرض به دشمن مردم در راستای نابودی آن بردارند."

### پرسش و پاسخ در رابطه با جنبش توده ای اخیر در ایران

استقبال بی سابقه شرکت کنندگان از بخش پرسش و پاسخ یکی دیگر از موضوعاتی است که به نظر من اهمیت زیادی به مراسم ۲۰ فوریه تورنتو میدهد.

پس از هنرنمایی شهروز در قسمت دوم مراسم، بخش پرسش و پاسخ شروع شد. از آنجا که بیش از دو ساعت از شروع برنامه میگذشت، و طبق روال مراسم های سیاسی گذشته، فکر میکردم که بخشی از شرکت کنندگان مراسم را ترک کنند. اما اکثرا تا انتهای مراسم ماندند و ضمن شرکت در بحث با علاقه به پرسش و پاسخ ها گوش دادند و به شکل های مختلف در مورد مواضع مطرح شده در جریان پرسش و پاسخ اظهار نظر هم کردند.

### نگاهی به برخی از دیدگاه های انحرافی در رابطه با جنبشهای خودبخودی توده ها

یکی دیگر از نکاتی که در این مراسم موجب خوشحالی من شد، عکس العمل اکثریت شرکت کنندگان در مقابل نظرات انحرافی ای بود که توسط برخی از سوال کنندگان مطرح شد.

به عنوان مثال وقتی که یکی از سوال کنندگان با انتصاب خیزشهای اخیر توده ای به جناحی از رژیم ادعا کرد که "مردم فی البدیهه به خیابان نریختند... این لشکر کشی سی ان و بی بی سی ... و جناح راست رژیم بود" و در ادامه مطرح کرد که "واقعیت اینه که این جنبش پلاتفرم دارد، پرچم دارد و رهبر دارد" و نتیجه گرفت که: "چرا باید دوباره ۵۷ را دنبال کنیم". این سوال کننده

مدعی بود که "این دعوا دعوی ما نیست" و باید "مردم را حول جنبش ضد اعدام جمع کرد" رفیق فریبرز سنجری در پاسخ به این پرسش گفت که:

"پدیده های اجتماعی را باید در حرکتشان دید. اینکه در ایران جمهوری اسلامی انتخاباتی را سازمان داد و نتور انتخابات را به قول خودش آنقدر داغ کرد که در خیلی جاها کنترلش هم از دستش خارج شد، این به خیزش عظیم مردمی ربطی ندارد. اینها با هم فرق دارد. اتفاقاً اصلاح طلبان حکومتی که شما در صحبتهایتان با آنها مخالفت می کنید، در تلاش هستند که این خیزش و برپا خاستن مردم را با انتخابات توضیح بدهند و به انتخابات خلاصه کنند. درسته که طبقه حاکمه و اصلاح طلبان حکومتی در بحث انتخابات آنقدر نتور انتخابات را داغ کرد که کنترلش از دستشان خارج شد. اما آنچه که بعداً و به تدریج در خیابانهای تهران و شیراز و برخی از شهرستانها شاهدش بودیم، آن جنبش، آن حرکت اعتراضی، حرکت اینکے رأی من کو نبود... امکان ندارد مردمی در این ابعاد به خیابان بریزند مگر اینکه زمینه های مادی و عینی این خیزش در بطن جامعه وجود داشته باشد. اینکه چرا مردم در این ابعاد و وسعت به خیابان می ریزند به خاطر اینه که با رژیم و با مناسبات اقتصادی اجتماعی طرف هستند که سی سال است که تسمه از گرده آنها کشیده و کارد به استخوانشان رسانده. اینطور نیست که ما فکر کنیم که همه چیز منوط به انتخابات است و چون انتخابات هم در چهار تضادهای طبقه حاکمه است، اصلاح طلبان و اصولگرایان، پس چپ بی وظیفه میشود و نباید در این مبارزات شرکت کند. اتفاقاً به باور ما، چپ در هیچ شرایطی بی وظیفه نیست. در همان حدی که در جامعه حضور و قدرت دارد باید در تمام اعتراضات مردمی شرکت کند و آن را از نفوذ اتفاقاً دشمنان مردم خارج کند، از نفوذ دشمنان طبقه کارگر خارج کند. اگر ما برویم در خانه هایمان بنشینیم و بگوئیم که این یک جنبش سبز محمدی ارتجاعی است چرا که اصلاح طلبان حکومتی رهبر آن هستند، این درک نادرستی است که از این واقعیت داریم ارائه می دهیم. حداقل بروید صحبتهای خود این اصلاح طلبان حکومتی را مطالعه کنید. مگر خاتمی خودش نمیگوید آنچه که در این شهرها شاهدش هستیم جنبش خودجوش است. مگر کربوبی نمیگوید که من توی خونه نشسته بودم مردم شلوغ کردند، به من هم اطلاع دادند، من هم آمدم بیرون. مگر موسوی نمی گوید ما اصلاً رهبر نداریم، هر کس خودش یک رهبر است. مگر کسی می تواند رهبر یک جنبشی باشد و بعد خودش بگوید من رهبرش نیستم؟" ... "ما نمی توانیم به صرف اینکه بی-بی-سی و صدای امریکا دلشان می خواهد به این حرکت خودجوش مردمی یک رنگ سبز قالب کنند، رنگ سبز را بپذیریم و با پذیرش رنگ سبز یک مارک ارتجاعی هم به این جنبش خودجوش مردمی بزنیم. درواقعیت، آن مردمی که رفتند و سینه اشان را سپر کردند، آن عکسهایی را که شما دیدید، آن سینه ای که با دشنه دژخیمان خامنه ای چاک خورده، آن ندایی که آنطوری به زمین افتاده و خون از دهانش جاری شده، اینها مردم ایران هستند. اتفاقاً در این خیزش بخش بزرگی از طبقه کارگر ایران حضور دارند."

در اینجا مردم در موافقت با مواضع سخنران دست زدند. و او ادامه داد "بزرگترین اشتباه یک چپ، یک کمونیست این است که فکر کند که این جوانهای بیکاری که به خیابانها ریختند، مثلاً طبق تزر سازگارها و بهنود و مهاجرانی و ... جزء طبقه متوسط هستند... طبق ترمینولوژی شما، یعنی کسی که خودش را چپ میداند و ادعا میکند که کمونیست است، مگر بیکارها بخشی از طبقه کارگر نیستند؟"

در پاسخ به یکی دیگر از سوال کنندگان که با اشاره به اصطلاح موتور کوچک و بزرگ در اثر رفیق مسعود احمدزاده جنبش مسلحانه را نوعی الگوبرداری از جنبش های آزادیبخش دهه چهل

جلوه می داد، رفیق سنجری با تشریح اصطلاح موتور کوچک و بزرگ گفت " این نفس رابطه پیشرو با توده است و هیچ کمونیستی هم نمی تواند آن را رد کند. اینکه عده ای راه افتادند و برای کوبیدن تئوری مبارزه مسلحانه، چنان از موتور کوچک و بزرگ حرف میزنند که مثل اینها کفر ابلیس گفته شده، این دیگر مشکل خودشان است. در همه جنبشهای کمونیستی و اجتماعی، رابطه پیشرو و توده همین است. بالاخره حزبی، گروهی، سازمانی جلو می افتد و راه را نشان میدهد و به تدریج توده ها را جلب میکند و آنها را برای مبارزات عالیتر سازمان میدهد. این هم اسمش است همان موتور کوچکی است که موتور بزرگ را به راه می اندازد. مگر در جایی از تاریخ وجود دارد که موتور بزرگ بدون هیچ کمکی از طرف موتور کوچک خودش راه افتاده و به پیروزی رسیده. این اشتباه است. نباید فکر کنید که با گفتن موتور کوچک و بزرگ، یک تئوری را که یک پستوانه بزرگ مبارزاتی پشت سرش است را می توانید نادیده بگیرید."

### نتیجه گیری

با دیدن آنچه که در مراسم بزرگداشت سی و نهمین سالگرد سیاهکل (و سی و یکمین سالگرد قیام بهمن) در شهر تورنتو گذشت، به این واقعیت بیشتر پی بردم که تحت تأثیر خیزش توده ها در ایران و انعکاس این امر در خارج از کشور نظرات چپ انقلابی بطور عموم و دیدگاه ها و نظرات سیاسی چریکهای فدایی خلق ایران بطور خاص، هر چه بیشتر در میان توده های مردم جا گرفته است.

با دیدن حمایت بی سابقه مردم از این مراسم کاملاً سیاسی، و با دیدن اینکه چگونه صحبت‌های رفیق سنجری با استقبال مردم مواجه شد، میشود این واقعیت را به عینه دید که چپ انقلابی که با استفاده از جهان بینی مارکسیسم به درک صحیح از شرایط جامعه میرسد می تواند هرچه بیشتر در جهت رشد آگاهی انقلابی در میان توده ها حرکت کند. و طبقه کارگر و توده های مردم تحت ستم که ستمهای جامعه طبقاتی را به عینه درک میکنند، به خوبی قادر هستند که همسویی نیروهای چپ انقلابی را با خواسته و منافع طبقاتی خود ببینند. در نتیجه هرچه مبارزات توده ای تشدید شده و ادامه می یابد وظیفه چپ انقلابی برای حمایت از مبارزات توده ها با برجستگی بیشتری مطرح و ضروری میشود.

سهیلا دهماسی

۲۳ فوریه ۲۰۱۰